

سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۵۹ • ۷

روزنامه		
جامعه • جهان		
زنان نونسی حق خود را به رسمیت شناسانده‌اند	صفحه ۸	
در لیبی چه کسی با چه کسی می‌جنگد؟	صفحه ۸	
تخطی از مصوبه کمیسیون امنیت ملی برای فعالیت در بافت تاریخی	صفحه ۱۰	

نگاه

اهمیت مدیریت توزیع دانشجو
احمد قریب • استاد دانشگاه امیرکبیر

جامعه‌دانشگاهی در این هفته و ماه‌ها با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده است که حل آن نیازمند اراده و خردجمعی است. حل این مساله قبل از اینکه به توزیع دانشجو مرتبط باشد، به قدس‌ت، شرافت، باورها و شخصیت‌های شاکله دانشگاه درباره رسالت الگوبروری جوانان ربط دارد. با توجه به غفلت بخش‌هایی از وزارت علوم در گذشته و منفعت‌طلبی دانشگاهیانی که افق دیدگاه‌های خود را به پذیرش دانشجو به هر قیمتی و تأمین منافع کوتاه‌مدت و زودگذر محدود کرده‌اند، به نظر می‌رسد تنها امید و راه چاره این باشد که وزیر محترم علوم آینده و مسوولان عالی‌وزارت با ژرف‌نگری، راه‌قفلن‌گریزی پدیدآمده از خلأهای احتمالی را مسدود کنند. بسیار طبیعی است که جمعیت دانشجویی کشور، نیازهای تخصصی دستگاه‌ها و محورهای کارآمدی و نیازمندی‌های جامعه، با گذشت زمان تغییر کرده باشد. بنابراین ظرفیت دانشگاه‌ها و نگرش هر یک باید متناسب با واقعیت‌های جامعه در پذیرش دانشجو مطابقت پیدا کند. ولی منتها‌چنین درکی آن‌هم برای مسوولان برخی از دانشگاه‌ها حاصل نشده است. که صرفاً به‌دنبال منافع خود افتاده‌اند. این گروه از دانشگاه‌ها باوجود اینکه عیناً شبیه دیگر دانشگاه‌ها از موابه و منابع آسانی این کشور استفاده می‌کنند، ولی در جنب دانشجو هم از طریق سازمان سنجش آموزش کشور و هم راسا با تشخیص خود اقدام می‌کنند. این یعنی نه از مقررات وضع‌شده کشور پیروی می‌کنند و نه حتی از یک روند منطقی قاعده‌مند. همه اینها در حالی است که جمعیت دانشجویی کشور تاکنون حدود ۱۰درصد کاهش داشته است که اعمال این کاهش برای همه به‌طور طبیعی کاملاً پذیرفته‌شده است. علاوهبر این ورودی برخی از دانشگاه‌ها، مخصوصاً دانشگاه‌های غیرانتفاعی تا بیش از ۸۰درصد کاهش یافته است. از طرف دیگر برخی از دانشگاه‌های آزاد (و پیام نور) در همین وضعیت در سال‌چاری و سال گذشته، در هر مقطع دلخواه، در هر محل و به هر تعداد مبادرت به جذب دانشجو می‌کنند. به عبارت دیگر اینان بدون هیچ مالک و معیار و استانداردهای رایج پذیرش دانشجو،افزایش چندبرابری را برای خود و کاهش چندبرابری را برای دیگران رقم زده‌اند. به‌اضافه اینکه این دانشگاه‌ها(ها) هم‌طور که از زمان پیدایش تا حال موجب نزول سطح کیفی دانش‌آموختگی در کشور شده، اند اکنون هم این بالا را در سطوح ارشد و دکترا بر سر دانشجویان می‌آورند. شاید یکی از دلایل بروز پدیده میدان انقلاب، مولود رفتار چنین دانشگاه‌هایی باشد. ب‌رواضح است که در این میدان، ابتدا دانشگاه غیرانتفاعی (که تمام توشه مادی و معنوی خود را خالصانه در اختیار نظام جمهوری اسلامی گذاشته‌اند، ورشکسته‌اند، به‌هم نوبت سایر دانشگاه‌ها می‌رسد و درنهایت زمان شکست شعار آموزش‌عالی برای همه فرامی‌رسد که بالا‌بره به اضحاحال کامل استانداردهای آموزش‌عالی و منجر می‌شود. با این‌همه موارد زیر بیشتر حایزاهمیت هستند. اول اینکه این نوع رفتار درواقع یعنی آموزش و انتقال باخلافی دانشگاهی و حرفه‌ای به تمام دانش‌آموختگان خود و دیگران. دوم اینکه این رفتار یعنی نوعی دهن‌کجی به سیستم‌ها و هنجارهای قانونی کشور از جمله به وزارتخانه‌ای که باید مسوول پاسخگویی به تمامی دانشگاه‌های رسمی و اصیل‌تر کشور باشد. درواقع این دانشگاه‌ها همه امتیازات جذاب را از رسمی‌ترین نهاد آموزش‌عالی کشور کسب کرده‌اند، در عین حال به سادترین قوانینمندی‌های آن گردن نمی‌نهند. ناگفته پیداست که دانشگاه سیاه‌پوش هم در همه اختیر، با خروج از ماموریت خود و قرارگیری در دام‌های سیاسی و روندهای غیردانشگاهی، از راستای ضوابط تعالی آموزش‌عالی کشور و آموزش‌عالی برای همه خارج شده است. روزگاری بود که اگر در مقطع کارشناسی یا رشته‌های غیرفنی، با توجه به نقش موثر سازمان برنامه‌ویودجه، تأسیس معاونت پژوهشی، آموزشی و فرهنگی، که تا سال۱۳۷۴ در تشکیلات این سازمان وجود نداشت، از اقدام‌های مهم میرانه بود که موجب افزایش شش‌دید بودجه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و مبنایی برای سال‌های بعدی شد. او در سال۱۳۷۴ فعالیت‌ها را علمی و پژوهشی خود را گسترش داد و در کنار دانشگاه صنعتی امیرکبیر و پژوهشگاه پلیمیر و پتروشیمی ایران کار تدریس و تحقیق را ادامه داد که تاکنون چندبار به‌معنای پژوهشگر نمونه در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و پژوهشگاه پلیمیر و پتروشیمی ایران و در سال ۱۳۸۷ نیز به‌عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب و چندین‌بار هم از جشنواره‌های خوارزمی و رازی مفتخر به دریافت جایزه پژوهشگر برتر در زمینه پلیمرهای پزشکی شد. حمید میرزاده در سال۱۳۸۶ با دوت اکبر هاشمی‌فسنجانی، رئیس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی و با تصویب شورایعالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان عضو هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی و دبیر این هیات و با تصویب هیات موسس به عضویت هیات امنای دانشگاه درآمد و تا امروز فعالیت دارد. میرزاده در ۲۷ شهریور ۱۳۹۲ با رای شش‌نفر از هیات‌امنای دانشگاه آزاد(اکبر هاشمی‌فسنجانی، سیدحسن خمینی، سیدحسین قاضی‌زاده‌داشمی، جعفر توقیفی، حمید میرزاده و بهمن بزدی)، سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی شد و در ۲۸ آبان۱۳۹۲ با رای مثبت اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی، رسماً ریاست دانشگاه آزاد اسلامی را برعهده گرفت.

یادداشت

از دبیری در سیر جان تار یاست دانشگاه آزاد

حمید میرزاده (متولد سال۱۳۲۹ در سیرجان) مهندس، استاد دانشگاه و سیاستمدار ایرانی، رئیس سابق واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیات امنای این دانشگاه است. وی قبل از آن معاون نخست‌وزیر، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌ویودجه (در کابینه هاشمی‌فسنجانی) بوده‌است. میرزاده تا اخذ دیپلم ریاضی در سیرجان تحصیل کرد و پس از آن در دوره کارشناسی شیمی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال۱۳۵۲ فارغ‌التحصیل و پس از انجام خدمت سربازی در سال۱۳۵۴ به‌عنوان دبیر شیمی در دبیرستان‌های سیرجان مشغول به کار شد. در سال۱۳۵۵ برای ادامه تحصیلات به تهران آمد و در پلی‌تکنیک تهران برای دوره کارشناسی‌ارشد مهندسی پلیمر پذیرفته و در سال۱۳۵۷ فارغ‌التحصیل و از فروردین۱۳۵۸ به‌عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه شهید بهنر کرمان استخدام شد. در سال۱۳۷۳ موفق به دریافت درجه دکترا در همین رشته از دانشگاه نیوساوت‌ولز استرالیا(UNSW) شد. میرزاده از سال۱۳۵۹ تا سال۱۳۷۶ در سمت‌های فرماندار سیرجان، استاندار کرمان، معاون نخست‌وزیر، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌ویودجه مشغول فعالیت بوده‌است.

تدوین برنامه «ایران ۱۴۰۰»، برنامه «اقتصاد بدون نفت» و طرح «فقرزدایی» و سرشماری سال۱۳۷۵ از دیگر اقدامات مهم میرزاده در دوران تصدی سازمان برنامه‌ویودجه بود. با توجه به نقش موثر سازمان برنامه‌ویودجه، تأسیس معاونت پژوهشی، آموزشی و فرهنگی، که تا سال۱۳۷۴ در تشکیلات این سازمان وجود نداشت، از اقدام‌های مهم میرزاده بود که موجب افزایش شش‌دید بودجه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و مبنایی برای سال‌های بعدی شد. او در سال۱۳۷۴ فعالیت‌ها را علمی و پژوهشی خود را گسترش داد و در کنار دانشگاه صنعتی امیرکبیر و پژوهشگاه پلیمیر و پتروشیمی ایران کار تدریس و تحقیق را ادامه داد که تاکنون چندبار به‌معنای پژوهشگر نمونه در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و پژوهشگاه پلیمیر و پتروشیمی ایران و در سال ۱۳۸۷ نیز به‌عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب و چندین‌بار هم از جشنواره‌های خوارزمی و رازی مفتخر به دریافت جایزه پژوهشگر برتر در زمینه پلیمرهای پزشکی شد. حمید میرزاده در سال۱۳۸۶ با دوت اکبر هاشمی‌فسنجانی، رئیس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی و با تصویب شورایعالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان عضو هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی و دبیر این هیات و با تصویب هیات موسس به عضویت هیات امنای دانشگاه درآمد و تا امروز فعالیت دارد. میرزاده در ۲۷ شهریور ۱۳۹۲ با رای شش‌نفر از هیات‌امنای دانشگاه آزاد(اکبر هاشمی‌فسنجانی، سیدحسن خمینی، سیدحسین قاضی‌زاده‌داشمی، جعفر توقیفی، حمید میرزاده و بهمن بزدی)، سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی شد و در ۲۸ آبان۱۳۹۲ با رای مثبت اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی، رسماً ریاست دانشگاه آزاد اسلامی را برعهده گرفت.

«دانشگاه آزاد»

جمع اصداد است

هم دستاوردهای غرور آفرین داریم هم نارسایی‌های غیر قابل قبول



عکس امیر چرخ‌چری شرق

« این تمرکز گرای چگونه صورت می‌گیرد؟

واگذاری اختیارات از مرکز به استان‌ها و اصلاح آیین‌نامه‌ها برای واگذاری ماموریت‌ها به استان را به این خاطر انجام دادیم که فعالیت‌ها بیشتر در استان‌ها صورت گیرد و این یکی از برنامه‌های اصلی ماست که خوشبختانه در هراستانی هیات‌امناها شکل گرفته و این یک تحول مدیریتی در دانشگاه آزاد اسلامی است که خداراشکر شکل گرفته است.

« طی ماه‌های اخیر اقلیتی سیاسی در مجلس و سایر بخش‌ها انتقادات زیادی به افزایش سطح تحصیلات‌تکمیلی به دانشگاه آزاد وارد کردند، اما هم‌زمان شما اصرار بر افزایش سطح تحصیلات‌تکمیلی دارید و عقب‌نشینی نکرده‌اید؟ دلیل این اصرار و کوتاهی‌نایمن چیست؟

ایران تنها کشوری است که اقلیت آن تمامیت‌خواه هستند. حالا منتقدان تحصیلات‌تکمیلی جولیگوی تقاضای اجتماعی نیستند. طبق قانون اساسی کسی نمی‌تواند کشور را از ادامه تحصیل منع کند. چون قانون اساسی براساس سیر کمال انسان‌ها نوشته شده و اصولاً انسان‌ها میل به تکامل دارند. اما در حال حاضر برخی‌ها می‌گویند حالا چرا اینقدر کارشناسی‌ارشد و دکترا تربیت‌شود، مگر ما دنبال این مساله هستیم؟ نه مردم این تقاضا را دارند و دانشگاه وظیفه دارد ظرفیت ایجاد کند. الان در کار دانی به کارشناسی دانشگاه ظرفیت دارد اما تقاضا وجود ندارد در حالی که در زمان دکتر جاسبی هر یک‌میلیون ظرفیت کارشناسی بر می‌شد چون که ظرفیت وجود داشت اما الان این تقاضا با توجه به کاهش جمعیت جوانان در سن کارشناسی وجود ندارد و ما در کارشناسی ۵۰۰هزار ظرفیت خالی داریم و رقبای ما هم زیاد شده‌اند. بالاخره منتقدان دانشگاه آزاد برای تقاضای مردم چه راه‌حلی دارند؟ چون دانشگاه‌های آزاد و دولتی هشت‌درصد متقاضیان دکترا و ۲۸درصد متقاضیان کارشناسی‌ارشد را سالانه می‌توانند پاسخگو باشند و باقی تقاضا‌ها چه می‌شود؟ باید به خارج از کشور برود؟ اگر به خارج از کشور برود تبعات فرهنگی و اقتصادی ناشی از خروج جوانان به خارج از کشور را منتقدان می‌پذیرند؟ اتفاقاً آن جناح فکری و سیاسی مخالف افزایش تحصیلات‌تکمیلی در دانشگاه آزاد، کسانی هستند که معتقد به تعامل علمی و فرهنگی ایران با خارج از کشور هم نیستند. وقتی این دانشجو از کشور خارج می‌شود و چون اقتصاد ایران طی هشت‌سال اخیر بسیار آسیب دید و ریال افت کرد، دیگر دانشجویان ایرانی به کشورهای توسعه‌یافته نمی‌توانند بروند و معمولاً به کشورهای در جده‌و سه می‌روند که کیفیت این دانشگاه‌ها از دانشگاه‌های داخل به‌مراتب بدتر است. واقعیت دردناک دیگر این است که به ازای هر دانشجویی که از کشور خارج می‌شود، سالانه بین ۲۰ تا ۴۰ هزار دلار از از کشور خارج می‌شود و اگر به کشور برگردد نیز به‌مراتب بدتر است چراکه شما یک‌فرد را از هفت‌سالگی تا ۲۵سالگی در کشور تربیت و از هزینه‌های ملی برای او خرج کرده‌اید و بعداً بیل سیاست‌های غلط، او را تحویل کشورهای خارجی داده‌اید. آمریکایی‌ها برنامه جذب پنج‌ساله‌ای داشتند که تا سال۲۰۱۵ به پایان می‌رسد که براساس آن، صدهزار دانشجوی phd از کشورهای جهان‌سوم جذب می‌کنند. چرا؟ به دلیل اینکه اگر آنها بخواهند یک دانشجوی phd را از مدرسه تا بالاترین سطح آموزش‌عالی تربیت کنند، باید پنج‌میلیون دلار هزینه کنند اما وقتی یک دانشجوی phd را از کشوری دیگری بگیرند که تربیت‌شده باشد و آماده تحویل بگیرند، پنج‌میلیون دلار در اقتصاد آمریکا ذخیره شده است. بنابراین اگر کسی کارشناسی‌ارشد در ایران بگیرد و پس از آن به آمریکا برود، آن هزینه‌ای که از کودکستان تا کارشناسی‌ارشدش از اقتصاد ملی ما هزینه شده است، دیگر در ایران ذخیره نمی‌شود و آمریکا آن را ذخیره می‌کند.

« و چرا این اتفاق در ایران رخ نمی‌دهد؟

در ایران هم‌اکنون سیاست‌گذاران با پول‌های مردم ایران از اقتصاد ملی افراد را از کودکستان تا کارشناسی‌ارشد تربیت می‌کنند اما به دلیل نبودن زیرساخت‌های مناسب تحصیلات‌تکمیلی دانشگاه‌های اطراف ایران این کار بسیار سختی است. این دانشگاه که در دویی افتاد، آدم‌های تنگ‌نظر نگذاشتند بنادری مانند بندرعباس و… آباد شود و پول‌های ایرانی‌ها رفت و دویی آباد شد.

« شما در دانشگاه آزاد زیر ساخت‌های کافی برای توسعه تحصیلات‌تکمیلی را دارید؟

ما امسال ۱۲هزار دانشجوی دکترا گرفته‌ایم که نسبت به سال گذشته ۱۷/۱ برابر شده و همین ۱۲هزار نفر اگر به خارج از کشور مهاجرت می‌کردند، دومیلیارد دلار ارز از کشور خارج می‌شد. ممکن است کسی ایراد بگیرد این‌همه فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد و دکترا را می‌خواهیم چه‌کار کنیم؟ بله اولاً دانشگاه‌های مسوول اشتغال دانشجویان نیستند، دانشگاه موظف به ظرفیت‌سازی است اما این فارغ‌التحصیل اگر شد دکترا، می‌تواند مانند کشورهای چین و ژاپن خدمات علمی و مهندسی را صادر کنند و اتفاقاً یکی از بهترین زمینه‌های صدور تجربه‌های علمی به کشورهای دنیا است. می‌تواند برای کشور ما تا حد زیادی نیاز را برآورداری داشته باشد. الان بسیاری از کشورهای جمعیت استراتژی‌شان این است که شروع به تربیت نیروهای متخصص می‌کنند و توان آنان را به کشورهای دیگر صادر می‌کنند. حالا بحث دیگر این است که ما برای تحصیلات‌تکمیلی چه ضرورت‌هایی داریم. در بحث تحصیلات‌تکمیلی دو عامل خیلی مهم است. نخست اینکه داشتن استاد و داشتن فضای آموزشی کافی است. ما با توجه به برنامه چهارساله‌ای که تدوین کردیم و یکسال از اجرای آن گذشته است، قصد داریم سالی پنج‌هزار عضو هیات علمی به دانشگاه آزاد اسلامی معرفی کنیم. الان ما ۱۲هزار عضو هیات علمی داریم که امسال پنج‌هزار نفر به آنان اضافه می‌شود و به رقمی حدود ۱۷هزار نفر می‌رسد و هفت‌هزار نفر مربی داریم که در حال تحصیل در دوره دکترا هستند و طی سه‌سال اخیر به این ۱۷هزار نفر اضافه می‌شوند و در مجموع می‌توان گفت تا پایان برنامه چهارساله ما، بیش از ۴۰هزار نفر استادیار به بالا جذب دانشگاه آزاد می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۴

در مسایل آموزشی، پژوهشی و فرهنگی نیز داریم. این شوراها در حقیقت نقش کمیسیون‌های تخصصی شورا‌های دانشگاه را دارند و شورای دانشگاه یکی از ارکان اصلی دانشگاه است که برنامه‌های دانشگاه را تصویب می‌کنند و بعد از تصویب این موارد ار‌جاع می‌شود به شورا‌های بالادستی و پس از آن در دانشگاه‌ها اجرایی می‌شود. **« اگر بخواهیم مدیریت در دانشگاه آزاد اسلامی را به دو دوره تقسیم کنیم، می‌توان گفت دوره دکتر جاسبی دوره‌ای بود که زیرساخت‌های زیادی برای دانشگاه آزاد اسلامی ایجاد شد و این دانشگاه شاهد رشد کمی نظیتری بود، حالا شما تاکید زیادی بر توسعه کیفی دارید، این تاکیدات زیاد از چه عاملی نشات می‌گیرد؟**

آقای دکتر جاسبی هر کاری لازم بود برای توسعه کمی و کیفی دانشگاه آزاد اسلامی انجام دادند ولی ما الان به‌دنبال توسعه کمی نیستیم. رسالت اصلی ما در حال حاضر این است که روش‌ها و منش‌ها را برای توسعه کیفی مشخص کنیم و دیگر اصلاً به‌دنبال توسعه کمی نیستیم. همچنین یکی از دلایل تاکید ما بر توسعه تحصیلات‌تکمیلی، بحث توسعه کیفی است چراکه توسعه تحصیلات‌تکمیلی در ذات خود دارای کیفیت است و در حال حاضر یکی از ضروریات کشور به حساب می‌آید. البته آن موقع که دانشگاه توسعه کمی پیدا کرد هم بسیار شایان تقدیر است، چراکه آن موقع تقاضای اجتماعی و افزایش جمعیت جوانان می‌طلبید که دانشگاه آزاد اسلامی در این راه قدم بردارد و در کنار این مساله رقبای دانشگاه آزاد نیز افزایش پیدا کرده بودند.

« در دوران مدیریت آقای دکتر جاسبی بحث‌هایی به‌صورت غیر مستقیم از جانب او مطرح می‌شد که جاسبی به‌دنبال ایجاد دانشگاه آکسفورد اسلامی» است. برخی هم می‌گویند اگر دوران جاسبی در دانشگاه آزاد ادامه پیدا می‌کرد او نمی‌توانست به این هدف بلندپروازانه برسد، شما حالا در دوران جدید این دانشگاه از این قبیل اهداف بلندپروازانه در دانشگاه آزاد اسلامی دارید؟

فکر می‌کنم اگر کسی برنامه هدفمند داشته باشد و اهداف کلان کمی و کیفی مشخص شده باشد و توانایی‌های دانشگاه با امکانات دانشگاه سنجیده شود، می‌تواند به اهداف خود برسد. من نه از مشکلات تخمین حداقلی دارم و نه از توان خودم و همکارانم تخمین حداکثری. بدترین مدیر کسی است که از مشکلات تخمین

آن جناح فکری و سیاسی مخالف افزایش تحصیلات‌تکمیلی در دانشگاه آزاد، کسانی هستند که معتقد به تعامل علمی و فرهنگی ایران با خارج از کشور هم نیستند. وقتی این دانشجو از کشور خارج می‌شود، چون اقتصاد ایران طی هشت‌سال اخیر بسیار آسیب دید و ریال افت کرد، دیگر دانشجویان ایرانی به کشورهای توسعه‌یافته نمی‌توانند بروند و به کشورهای در جده دو و سه می‌روند

حداقلی داشته باشد و از توان خود و همکارانش تخمین حداکثری، و این آفتی بود که در دولت قبل روی داد و اوضاع آشفته اقتصادی امروز حاصل و نتیجه همین رویکرد و منش در هشت‌سال گذشته بود. مسوولان وقت تصورشان این بود که مشکلات کوچک است و توان آنان بسیار زیاد و نتیجه آن شد که کشوری که بیش از ۸۰۰میلیارد تومان ذخیره ارزی داشت، الان همه شاخص‌های اقتصادی‌اش افت کرده است. ما دوست نداریم که حرف‌های نشدنی بزیم برای هر کاری توانایی‌ها و امکانات معینی است و در آن ظرف باید برنامه‌ریزی کرد و حرکت ما به‌سمت جلوس‌ت، بنا داریم در این چهارسال به اندازه هشت‌سال کار کنیم و فکر می‌کنم، می‌شود ظرف چهارسال دانشگاه آزاد را جزو برنده‌های معتبر و برتر ملی و منطقه‌ای بالا برد و این خیلی بلندپروازانه نیست.

« یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی که از دانشگاه آزاد اسلامی طی سال‌های اخیر دیده می‌شود، سامانی با نظم اداری با پین است. شما بی‌نظمی اداری در دانشگاه آزاد اسلامی را قبول دارید و آن را چالشی بر سر راه خود می‌دانید؟
دانشگاه آزاد اسلامی جمع اصداد است؛ یعنی دانشگاه آزاد هم در آن دستاوردهای بسیار غرور آفرین سطح‌بالاست و در عین حال شاهد نارسایی‌های غیر قابل قبول هستیم.

« خب علت چیست؟

یکی از علت‌ها این است که این دانشگاه بیش از حد بزرگ است. واقعیت این است که این مدل دانشگاه در دنیا بی‌نظیر است؛ این به‌عنوان تعریف نیست، این مدل در دنیا وجود ندارد. کنترل یک مجموعه بزرگ با این همه زیرمجموعه کار بسیار سختی است. بخش مهمی از این سختی این است که مدیر دانشگاه باید در تمامی زمینه‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و اداری و مالی، افراد و مدیران همراه و همگام و همفکر داشته باشد و این کار بسیار سختی است. این دانشگاه ۳۰۰سال با یک روش خاصی کار خود را پیش برده و موفقیت‌هایی نیز داشته است، حالا اگر بخواهد رویکرد تحول‌خواهانه را پیش بگیرد، ممکن است روش‌ها و منش‌های جدیدی را بطلبد و آن مدیران قبلی با این روش‌ها و منش‌ها تفاهمی نداشته باشند. این مهم‌ترین چالش ماست.

بغظر من آیین‌نامه‌ها تا حد زیادی برای ایجاد نظم کافی است اما مشکل ما مدیریتی است. بی‌نظمی وقتی حاصل می‌شود که مدیری جزبیات پخشنامه را متوجه نشود یا با آن سلیقه‌ای رفتار کند و من همیشه می‌گویم کار کردن با مدیرانی که همگام، همفکر و همراه شما نیستند، مانند شتارکدن در «قیو» است. به عبارت دیگر دانشگاه آزاد اسلامی به اندازه کافی برنامه و بخشنامه برای اجرای اهدافش دارد، اما مشکل مفاهمه مدیریتی است. بی‌نظمی و بوروکراسی بیش از حد یکی از امراض در دانشگاه آزاد اسلامی و به‌طور عامر در آموزش عالی ایران است و ما در حال تمرکززدایی هستیم و از روزی که آمدم این کار را شروع کرده‌ایم.



« محمدحسین نجاتی

حمید میرزاده، رئیس کنونی دانشگاه آزاد اسلامی در دوران جدید دانشگاه آزاد با چالش‌های متفاوت‌تری نسبت به عبدالله جاسبی، رئیس ۳۰ساله و پیشین این دانشگاه مواجه است؛ دانشگاهی که یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ارگان غیر دولتی و آموزشی در ایران و شاید در منطقه است و طی سال‌های اخیر بیش از پیش طعمه تمامیت‌خواهی برخی سیاستپون شد. همین مساله به‌همراه وابستگی شدید بودجه دانشگاه آزاد اسلامی به شهر به‌های در یافتی از سوی دانشجویان، بی‌نظمی اداری حاکم در مجموعه این دانشگاه، ضررهای مالی ناشی از توقف پروژه‌های عمرانی در دوران مدیریت بی‌فرهاد دانشجو و توسعه بیش از حد واحدهای دانشگاهی در شهرهای کشور حالا جزو مهم‌ترین چالش‌های اوست. علاوهبر این وابستگی حکم ریاست این دانشگاه به تغییر دولت‌ها و دو رای تعیین‌کننده وزرای علوم و بهداشت در هیات امنای این دانشگاه از سال۱۳۸۹ کاری کرده که حاشیه امنیت ریاست بر دانشگاه آزاد اسلامی چهارساله باشد. اما میرزاده می‌گوید: «قصد داریم، در چهار سال، به اندازه هشت‌سال کار کنیم» سال۱۳۸۶، آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی، رئیس هیات موسس دانشگاه آزاد به فکر تغییر در ریاست جاسبی و پایان ریاست ۳۰ساله او بر دانشگاه آزاد افتاد و میرزاده از گزینه‌های ریاست بود. در همان سال میرزاده که مورد وثوق هاشمی‌فسنجانی بود به پیشنهاد رئیس هیات موسس وارد هیات امنای دانشگاه آزاد و هیات موسس شد و ماموریت خود برای تدوین برنامه‌ها و اسناد بالادستی توسعه هر چه‌بیشتر دانشگاه آزاد را آغاز کرد. اما این تحرک در هیات موسس و هیات امن‌ا با توجه به آغاز پروژه دولتی‌شدن دانشگاه آزاد اسلامی در دولت نهم و تشدید آن در دولت دهم، تا حد زیادی رنگ باخت. در آخر هم با تغییر ریاست جاسبی و جایگزینی فرهاد دانشجو از سوی دولتی‌ها – به تعبیر هاشمی غنیمت دانشگاه آزاد– همراه شد. این دوره شش‌ساله یعنی از سال۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ را می‌توان مثلی از خروج تحمیلی جاسبی از دانشگاه آزاد، ورود تحمیلی فرهاد دانشجو به دانشگاه آزاد و تاخیر تحمیلی آن در ورود میرزاده به دانشگاه آزاد خواند. پس از آن میرزاده خیلی زودتر از آنکه دولت تدبیر و امید روی کار سوار شود، با ابتکار عمل و تعجیل آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی در شهرپورماه۱۳۹۲ با دو رای تعیین‌کننده قاضی‌زاده‌هاشمی و جعفر توقیفی – وزیر بهداشت و سرپرست وزارت علوم – در دولت تدبیر و امید – رئیس دانشگاه آزاد اسلامی شد. حالا میرزاده در گفت‌وگو با «شرق» از مهم‌ترین اقدامات خود طی یک‌سال گذشته و مهم‌ترین برنامه‌هایش برای سال‌های آینده سخن گفت. در این مصاحبه به شکل صریح برخی از ابهامات پیرامون دانشگاه آزاد و مدیریت آن طی یک‌سال اخیر با او در میان گذاشته شد.

« رزومه علمی و اجرایی شما، رزومه قابل توجهی است، اما تجربه نشان داده مدیریت در دانشگاه آزاد اسلامی با توجه به گستردگی آن شرایط خاص خود را می‌طلبد و علاوه‌بر ویژگی‌های اجرایی نیاز به توانمندی‌های علمی نیز دارد، در این حال حاضر پس از یک‌سال ریاست بر این مجموعه چقدر ذهنیت شما نسبت به این دانشگاه تغییر کرده است؟

وقتی وارد دانشگاه شدم اطلاعات دانشگاه را از طریق هیات موسس در اختیار و تسلط کافی‌ای روی فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی داشتم. من وضعیت دانشگاه را از سال۱۳۸۶ به‌طور مستمر پایش می‌کردم و حتی برنامه پنج‌ساله دانشگاه آزاد اسلامی را بنده خودم نوشتم. بنابراین اطلاعات نسبت به دانشگاه جامع بود. اما وقتی بالاخره وارد فاز اجرایی می‌شوم، جزئیات بیشتری درمستان می‌آید.

« مهم‌ترین چالش‌هایی که در دانشگاه با آنها برخورد داشتید چه بود؟

مهم‌ترین چالش دانشگاه آزاد یکی بحث‌های مالی است که مشکلات زیادی در این رابطه احساس می‌شود. روزی که من وارد دانشگاه شدم تعداد واحدهای زیاده بسیار زیاد بودند البته حالا کاهش پیدا کرده‌اند و دیگر اینکه مساله کیفیت و توسعه کیفی در دانشگاه آزاد یکی از مهم‌ترین چالش‌ها بود و حالا توسعه کیفی دانشگاه آزاد اسلامی به یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ما تبدیل شده است. در دانشگاه آزاد من چهار کار اصلی را به‌عنوان محور برنامه شروع کردم، یکی توسعه کیفی دانشگاه در تمامی زمینه‌ها که تنها مربوط به مسایل آموزشی نیست. پس از آن توسعه تحصیلات‌تکمیلی دیگر برنامه مهم ما در دانشگاه آزاد اسلامی است چراکه توسعه تحصیلات‌تکمیلی در ذات خودش کیفیت دارد و به عبارت دیگر وقتی تحصیلات‌تکمیلی را توسعه می‌دهیم و این توسعه منجر به تولید علم می‌شود می‌توان گفت حرکتی به سمت کیفیت‌سازی است. پایه سوم کار ما اجرای طرح‌های اقتصادی دانش‌آیینان است و چهارمین برنامه فعالیت ما در دانشگاه آزاد اسلامی اجرای طرح‌های فرهنگی ماندگار در دانشگاه آزاد اسلامی است. این موارد محورهای اصلی فعالیت ماست که در هر محوری جزئیاتی وجود دارد که در حال حاضر مبنای فعالیت دانشگاه آزاد اسلامی قرار گرفته است.

« سازوکار اجرایی شما برای اجرای این طرح‌ها چیست؟

من برای اجرای این طرح‌ها به این نتیجه رسیدم‌ام که از خردجمعی و از مشورت با صاحبان‌ظران که در امور علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تجربه دارند استفاده کنم و امروز که با شما صحبت می‌کنم در تمامی اموری که مربوط به دانشگاه آزاد می‌شود نزدیک به ۱۴ شورای راهبردی و ۳۱ هیات امنای استانی داریم. نکته مهم دیگر این است که در شوراهایی که در مرکز تشکیل شده است، به همان صورت در استان‌ها هم شوراهایی با همین تشکیلات و ماموریت‌ها تشکیل شده است. برای مثال هم‌اکنون در تمامی استان‌ها اقتصاد دانش‌بنیان تشکیل شده است و بیش از هزار و ۲۰۰ نفر صاحب‌نظر علمی و اقتصادی با ما همکاری می‌کنند و همین حالت را